

گزارش سفر ایران

سید اختر حسین کاظمی*

این قطعه ره آوردی ست از بهر دل اخوان

۱۶ مهرماه ۱۳۷۰ شمسی هجری با کاروان حله به سرزمین فارسی زبانان رفتم. در فرودگاه مهرآباد میزبانان برای استقبال مسافران با گل آمده بودند و به یکدیگر تعارف می کردند: «چرا زحمت کشیدید، خودتان که گل هستید». «خواهش می کنم، قابل ندارد». عده ای از برادران هندی با دست خالی اما با دلی لبریز از عشق و محبت منتظر ما بودند. آن شب تهران بسیار ساکت و تمیز و هوای آن خیلی لطیف و ملایم بود، گویا انتظار شهریاری یا شهریاران را می کشید! ما را در مینی بوس مخصوص سوار کردند و به هتل هما رساندند. از اطاق طبقه پنجم به جهانی که زیر سایه هتل هما بود، نگاه کردم. واقعاً همه شهر در قلب شب براق و زیبا به نظر می آمد. دیر وقت شب بود، با این امید که شب آستن تا چه زاید سحر، به خواب فرورفتم:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست^۱

تهران مثل سایر شهرهای معروف ایران در آغوش سلسله جبال قرار دارد. از شمیران تا راه آهن نشیب و فرازهایی وجود دارد که بدان دلیل اهالی شهر تهران را به بالا و پایین شهر قسمت کرده اند. برف آب شده کوه البرز، از شمیران به طریق جوی ها به پایین شهر جریان پیدا می کند. در راه درخت های چنار سر به فلک کشیده از این آب باج می گیرند. صدای پای آب در جوی های تهران ترنم خاصی ایجاد می کند که شنیدنی

* دانشیار فارسی جواهرلعل نهر، دهلی نو.

۱. جلال بلخی، مولانا جلال الدین محمد مولوی: دیوان شمس تبریزی، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوازدهم ۱۳۶۷ ه.ش، ص ۲۰۳.

است و دیدنی، و نه گفتنی! وقتی آدم از یک خیابان پایین شهر به شمال تهران مستقیم نگاه می‌کند، منظره زیبایی از کوه البرز، زیر چرخ نیلوفری نمایان می‌شود. در باغ‌های شخصی درخت‌های خرمالو سر بر دیوارها نهاده، توجه تازه وارد به شهر را به خود جلب می‌کند و به او افتادگی می‌آموزد و او را به یاد این ضرب‌المثل فارسی می‌اندازد که: درخت هرچه بار برمی‌دارد، سربه زیرتر می‌شود.

یک نفر خارجی که در کشور خود زبان فارسی را آموخته آرزویی دارد که چند روز، چند ماه یا چند سال به «شکرشکنان قند پارسی» روزها با سوزها به سربرد. محیط دانشگاه تهران که مجسمه فردوسی نامدار و زنده کننده زبان فارسی همواره در آنجا نگهبان زبان ادب فارسی است، برای او ارزش خاصی دارد. وقتی او در آن خانه علم و محفل انس به پای درس استادان نامی و گرامی ادبیات فارسی می‌نشیند، راستی بار دانش او افزوده می‌شود و پی می‌برد که:

کعبه‌العشاق باشد این مقام هرکه ناقص آمد اینجا شد تمام

زبان فارسی که در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران گفته و شنیده می‌شود، با فارسی جنوب شهر و «میدان خراسان» بسیار فرق دارد؛ به‌ویژه در گروه ادبیات فارسی استادان به‌زبانی سخن می‌گویند که: متکلمان را به کارآید و مترسلان را بلاغت افزایش دهد. در مؤسسه لغت‌نامه دهخدا که مرکز تألیف بزرگترین لغت‌نامه فارسی و تدریسی ادبیات غنی فارسی در آسیا است، استادان برجسته برای گسترش زبان فارسی در جهان می‌اندیشند و می‌کوشند. سطح تدریس آنان بسیار بالا است و دانشجویان دکتری برای کسب فیض بدانجا رومی‌آروند. حق با استادان آن مؤسسه خواهد بود، اگر بگویند:

به‌بام ما نتواند پرید هر مرغی از آن سبب که بلند است آشیانه ما^۱

خوشبختانه آنان چنین ادعایی ندارند، بلکه از ما استقبال می‌نمایند:

اگر تو رنجه نمایی قدم به‌خانه ما ز آسمان گذرد قدر آستانه ما^۲

۱. غزالی مشهدی: مغلوں کے ملک الشعراء (اردو) از نبی هادی، ص ۷۲.

۲. همان.

تهران شاهد دوره سلطنت دودمان قاجار بوده است. قسمت مرکزی شهر مثل کاخ گلستان، میدان ارگ، بازار بزرگ تهران، مسجد شاه، دارالفنون، خیابان ناصر خسرو و شمس‌العماره و ساختمان‌های قدیم در مجاور کاخ گلستان برای ما تاریخ زمان قاجار را بازگو می‌کند:

دندانۀ هر قصری پندی دهدت نو نو پند سر دندانۀ بشنو ز بن دندان^۱

باری، یک شیفته زبان و ادبیات فارسی پس از دیدن جاهای یاد شده، بافت قدیم شهر و فرهنگ آن را بهتر درک می‌کند زیرا که اصالت فرهنگ ایرانی در آنجاها زیاد آمیخته نشده و دست نخورده‌تر مانده است و نیز این قسمت شهر به تفهیم تاریخ زمان قاجار کمک می‌کند.

کور از خدا دو چشم بینا می‌خواهد، همچنین استادان زبان و ادبیات فارسی در هند کتاب فارسی می‌خواهند. درست است که زمانی کتاب‌های فارسی بیشتر از ایران در هند چاپ می‌شد و چاپخانه‌های هند مانند نولکشور در محافظت کتاب‌های فارسی سهم بزرگی داشته است. در آن روزگار کتاب‌های فارسی چاپ شده در هند به‌عنوان کادویی ارزنده به ایران صادر می‌شد. اما وضعیت انتشارات و به‌دست آوردن کتاب‌های فارسی در شبه‌قاره هند اکنون حکایتی و شکایتی دارد که جای بحث آن اینجا نیست:

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر

فقط به‌این ضرب‌المثل معروف فارسی بسنده می‌کنم که: آنچه عوض دارد گله ندارد. به‌هر جهت کتابفروشی‌های رو به‌روی دانشگاه تهران در خیابان انقلاب قرار دارد و در آنجا هر نوع کتاب فارسی از جیبی گرفته تا قطع وزیری پیدا می‌شود. کتاب‌های بسیار سودمند در ویتترین‌های کتابفروشی امیرکبیر و دیگران وجود دارد و آن‌ها به‌زبان بی‌زبانی می‌گویند:

که گفت در رخ زیبا نظر خطا باشد؟ خطا بود که نبینند روی زیبا را^۲

۱. خاقانی شروانی، حسن‌العجم افضل‌الدین ابوبدیل بن علی (م: ۵۹۵ هـ): دیوان اشعار، به تصحیح دکتر سید

ضیاء‌الدین سجادی، انتشارات زوار، تهران، چاپ سوم ۱۳۴۸ هـ ش، ص ۳۵۸.

۲. سعدی شیرازی، شیخ مشرف‌الدین مصلح: کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، مؤسسه انتشارات نگاه،

۱۳۷۲ هـ ش، ص ۳.

مرا عقیده بر آن است که در تهران بهترین جایی که یک استاد فارسی باید ببیند، همین کتابفروشی‌هاست. بازدید از این کتابفروشی‌ها واقعاً به دیدنش می‌ارزد؛ چون در اینجا آدم با کتاب‌های تازه‌آشنایی پیدا می‌کند و هم در اینجا بسیاری از کتاب‌های نادر و مورد نیاز را، شاید به قیمت بسیار ارزان، بتوان خرید. گاهی بعضی از کتابفروشی‌های ادب دوست و اهل ذوق را می‌شناسند و یک دو مجلد کتاب هم به‌وی هدیه می‌کنند. پس، رفتن به کتابفروشی‌های تهران هم فال است و هم تماشا!

خوش آن روزی که صائب من مکان در اصفهان سازم
ز وصف زنده رودش خامه را رطب اللسان سازم^۱

اصفهان از جهت بافت شهرسازی یکی از زیباترین شهرهای جهان می‌باشد. سیمای اصفهان در ادبیات فارسی بسیار درخشان و زیبا است. اما وقتی یک ادب دوست فارسی‌دان به اصفهان می‌رود، این شهر آنچنان درخشان و زیبا جلوه می‌کند که او دلدادۀ اصفهان می‌شود و در خاطر او آرزویی پدید می‌آید که همه عمر خود را در آن بگذراند و بعد از وفات نیز در همان شهر دفن شود. این شهر دلچسب و دامن‌گیر تقریباً در بیان نمی‌گنجد و خامه از وصف آن فرسوده و عاجز می‌شود. دانشگاه اصفهان در پای کوه صفه قرار دارد. مثل خود شهر اصفهان، دانشگاه نیز بسیار بزرگ و زیبا است. ساختمان‌های این دانشگاه در محوطه پهن و گسترده‌ای قرار دارد و هر کدام به یکی از رشته‌های عمده دانشگاهی اختصاص می‌یابد که آن را دانشکده می‌نامند. ساختمان دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده زبان‌های خارجی در همان محوطه اما جداگانه قرار دارد. در این دانشگاه زبان و ادب عرب در دانشکده زبان‌های خارجی تدریس می‌شود. کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی از کتاب‌های ادبیات فارسی پر است و این در حالی است که گفته می‌شد همین سال‌های اخیر حدوداً ۸۰ هزار جلد آن

۱. هزار سال شعر فارسی به انتخاب جعفر ابراهیمی و دیگران، ص ۳۲۵.

خوش آن روزی که منزل در سواد اصفهان دارم ز وصف زند، رودش خامه را رطب اللسان سازم
(کلیات صائب تبریزی، محمد عباسی، نشر طلوع، ص ۷۷۵).

سوخته است و این کتاب‌ها در قفسه‌ها به‌ترتیب تاریخ جای داده شده است که آدم با یک نگاه گذرا سیر تاریخی ادبیات هزار ساله فارسی را راحت طی می‌کند.

هرکس که از بلندی دانشگاه به‌شهر اصفهان بنگرد، می‌تواند مشهورترین خیابان اصفهان یعنی خیابان چهارباغ و گنبدهای فیروزه رنگ و قسمت بالای دیوار میدان امام و شهر بسیار گسترده را ببیند و در شب از همین مقام دیده می‌شود که اصفهان شهر نور است و فلک در پهنای آن هزارها عقد ثریا آویخته است.

از وسط شهر اصفهان رودی می‌گذرد که آن به‌زاینده رود معروف است. زاینده رود برای اصفهان دارای همان ارزشی است که رود نیل برای مصر. اگر خداوند این رود را خلق نمی‌کرد، همه اصفهان به‌کویر مبدل می‌شد. آب زاینده رود برای باغ‌های اصفهان ممد حیات است. دو طرف اصفهان توسط پل‌های زاینده رود به‌هم متصل شده است. سی و سه پل و پل خواجه از معروف‌ترین پل‌های اصفهان می‌باشد. در فصل بهار و تابستان مردم از جاهای مختلف برای گذراندن روزهای شادی بخش به‌کنار زاینده رود می‌آیند و لذت می‌برند. در کنار سی و سه پل و پل خواجه پادشاهان صفویه جاه و حشمت و شکوه جلالی داشتند که شمه‌ای از آن به‌شکل عالی قاپو، چهل ستون، میدان شاه و بازار اصفهان هنوز هم وجود دارد. همه جاهای یاد شده نشانگر عظمت ایران در دوره سلطنت صفویه می‌باشد. وقتی آدم از یک کوچه یا خیابان به‌میدان شاه وارد می‌شود، گویا به‌یک چمن دلگشا راه پیدا کرده است. این قسمت اصفهان اصالت خود را چنان حفظ کرده که آدم در اینجا پی می‌برد که وی به‌قرن‌های گذشته و ایران زمان صفویه برگشته است. درشکه‌ها در کنار خیابان و مغازه‌های صنایع دستی تجدید خاطرات تاریخ می‌کند.

بازار اصفهان چنان پیچ در پیچ است که هر خواننده «کلیله و دمنه» را به‌یاد سوراخ موش در کتاب مذکور می‌اندازد. در قرون وسطی مردم از اقصای عالم به‌این بازار کالاهای رنگارنگ می‌آوردند و تجار اصفهانی آن‌ها را می‌فروختند. چون همه چیزها و همه مردم جهان در بازار اصفهان دیده می‌شدند، شاید بدین دلیل اصفهان را نصف جهان گفته‌اند. ناگفته نماند که جنبه معنوی اصفهان از مادی آن قوی‌تر است. در کنار بازار بزرگ اصفهان مساجدی و در منطقه جلفا کلیسای وانک وجود دارد که هرکدام از

آن‌ها مظهري از زندگي معنوي اصفهانيان است. کليساي وانک دفتر يادداشتي دارد که در آن امضاي مشاهير جهان ادب و از جمله ملک‌الشعرای بهار و رابندرنات تاگور و ديگران همراه با خط آنان ثبت شده است. علاوه بر شخصيت‌هاي ياد شده، نويسنده معروف ادبيات معاصر ايران صادق هدايت نيز از اين شهر بزرگديدن کرده است و سفرنامه‌اي دارد به نام اصفهان نصف جهان که به حدّ کافي سيمای اصفهان را می‌نماياند:

من در کنار باغ کنم ساعتی درنگ تا دلنواز من خبر از گلشن آورد
آيد دوان دوان بنهد بر کنار من آن نرگس و بنفشه که در دامن آورد^۱

شيراز، شهر باغ‌ها، گل‌ها و بلبل‌ها است. زمانی که بادخزان بر تمام ايران دست تطاول دراز کرده بود، شيراز از آن مصون بود. عجب! در آن فصل خزان که تمام درختان در ايران لخت و عريان بود، درخت‌هاي شيراز گل‌ها و ميوه‌ها بر تن داشت. بعداً روشن شد، خدایش بيامرزاد استاد دکتر لطف علي صورتگر شيرازی را که گفت:

نازم هوای فارس که از اعتدال آن بادام بن شکوفه مه بهمن آورد
صد گونه ميوه پيش من آن باغبان پير از بامداد تا بگه خفتن آورد^۲

مقام و جايگاه شيراز در ابیات فارسي خیلی معروف است. شاعران شيرين سخن شيراز «سعدی» و «حافظ» در وصف آن نوشته‌هاي جاودانه دارند و همين زیبایی‌هاي ظاهري و معنوي است که شيراز را پایتخت ادبي ايران کرده است. محال است که یک ادب دوست ايران بدون دیدار شيراز از ايران برگردد. یکی ديگر از الطاف شيراز زیارت مقبره‌هاي سعدی، حافظ، شاه چراغ و باغ ارم می‌باشد. محیط با صفای شيراز بسيار شاعرانه است و در پرورش روحیه انسان، مفرّج ذات است. در آنچنان آب و هوا و فضايی است که آدم از خود بی‌خود شده، از هر رنگ تعلّقی آزاد گردیده، تمام رنج‌هاي محنت‌آباد را فراموش کرده به طبيعت دلنواز شيراز پناه می‌برد. الحق زیبایی شيراز يادآور «گلستان سعدی» و «غزلیات حافظ» است و برای یک ادب دوست رفتن به شيراز همان احساسی را دارد که برای حجّاج مشرّف شدن به اماکن مقدّسه.

۱. نامه صورتگر، گردآورنده: کوکب صورتگر (صفاری)، بخش دوم، اشعار شرکت انتشاراتی پاژنگ، چاپ اوّل ۱۳۶۸ ه.ش، ص ۱۲۵.

۲. همان.

دانشگاه شیراز یکی از معتبرترین مراکزهای پژوهش و آموختن ادبیات فارسی است که در جوار مقبره حافظ قرار دارد. وقتی عشاق زبان فارسی از هر کجای جهان به گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیراز می‌روند و با عاشقان فارسی در آن دانشگاه ملاقات می‌کنند، می‌توانند یک دیگر را در جریان وضع کنونی فارسی قرار بدهند و آن مأمنی است تا هر دو عاشق و دلباخته زبان فارسی از جور زمانه درد دل بکنند.

غریب شهر سخن‌های گفتنی دارد اما مجال تنگ است و به اختصار باید عرض کرد که برای یک خارجی که تازه زبان و ادبیات فارسی را آموخته، ایران سرزمین عجائب است و هرگوشه و کنار آن دریای از فرهنگ و ادب محسوب می‌گردد یا به عبارت فشرده برای او کتاب یا دانشگاهی است. به قول عرفی:

از نقش و نگار در و دیوار شکسته آثار پدید است صنادید عجم را^۱

منتها وقتی او با زندگی پویا و متحرک تهران مواجه می‌شود، عقیده وی نسبت به ایران متزلزل می‌گردد. تهران اروپایی دیگر ایران سنتی را از نظر وی پنهان می‌کند و حالت نومیدی به وی دست می‌دهد. آدم که به‌هوای دیدن محیط ایران، سرزمین فردوسی نامدار، مولوی عاشق دلدار، غزالی دیندار، سعدی نادر گفتار و حافظ این همه راه می‌رود، چون ایران آرمانی خود را در تهران در نمی‌یابد، نومید می‌گردد. ولی یک سفر به اصفهان، شیراز، مشهد، کرمان، کاشان و همدان همه این نومیدی‌ها را فوراً از خاطر او محو می‌کند. انسان پس از مدتی انس با مکان و مکین ایران، با خاطرات شیرین از ایران به کشور خود برمی‌گردد و درحالی‌که انبوهی خاطرات شیرین را با خود می‌آورد، به یاد این ابیات کلیم می‌افتد که:

بدنامی حیات دو روزی نبود بیش

آن هم کلیم با تو بگویم چسان گذشت

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روزی دگر به کندن دل زین و زان گذشت^۲

۱. عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد: مجموعه قصاید عرفی شیرازی، نولکشور، لکهنو، ۱۹۶۶ م، ص ۳.
۲. کلیم کاشانی، میرزا ابوطالب: دیوان کامل کلیم کاشانی، مهدی افشار، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش، ص ۱۳۱.

منابع

۱. جلال بلخی، مولانا جلال الدین محمد مولوی: دیوان شمس تبریزی، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوازدهم ۱۳۶۷ ه.ش.
۲. خاقانی شروانی، حسان العجم افضل الدین ابوبدیل بن علی (م: ۵۹۵ ه): دیوان اشعار، به تصحیح دکتر سید ضیاء الدین سجادی، انتشارات زوار، تهران، چاپ سوم ۱۳۴۸ ه.ش.
۳. سعدی شیرازی، شیخ مشرف الدین مصلح: کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۲ ه.ش.
۴. عرفی شیرازی، جمال الدین محمد: مجموعه قصاید عرفی شیرازی، نولکشور، لکهنو، ۱۹۶۶ م.
۵. غزالی مشهدی: مغلوں کے ملک الشعراء (اردو) از نبی هادی.
۶. کلیم کاشانی، میرزا ابوطالب: دیوان کامل کلیم کاشانی، مهدی افشار، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
۷. نامه صورتگر، گردآورنده: کوکب صورتگر (صفاری)، بخش دوم، اشعار شرکت انتشاراتی پاژنگ، چاپ اول ۱۳۶۸ ه.ش.